

## گزارش هفته دوم کارزار پاریس و آکسیون های روز ۱۲ دسامبر



سرانجام دوازدهم دسامبر 2015 رسید. روز پایانی دو هفته کارزار اعتراضی در برابر سیستمی جهانی که منافع و منطق و کارکردش، حیات بشری و کره زمین را به سرعت به سمت نابودی می راند.

شب قبل، رسانه ها از شهر «بورژ» محل برگزاری نشست مقامات دولتی و کارشناسان زیست محیطی و اقتصادی سازمان ملل خبر می دادند که «دستیابی به یک توافق موثر» بسیار دشوار است.

سخنگویان دولت های سرمایه داری مثل سال های قبل داشتند تقصیر را به گردن هم می انداختند و بیرون از برج و باروی امنیتی «بورژ»، مبارزان و فعالان

رنگارنگ و پر انرژی با شنیدن این خبرها بیش از پیش به خشم می آمدند و شور و شوق شان برای برگزاری آکسیون های 12 دسامبر بیشتر می شد.

سراسر هفته قبل، فعالیت های مختلفی در گوشه و کنار پاریس برگزار شده بود. مرکز این فعالیت ها در مجتمع عظیم فرهنگی 104 بود در یکی از محلات زحمتکشی شهر. در صحن اصلی، کارهای مختلف هنری که اساسا نوجوانان را درگیر می کرد جریان داشت.

چند نفر با لباس و چهره دلقک ها، اهمیت بازیافت را توضیح می دادند. در مرکز سالن، درخت مقوایی بزرگی ساخته بودند که هرکس پیامش را بر روبانی می نوشت و به آن می آویخت. در مورد تاثیر گرمایش بر ساکنان کره زمین نیز نمایشگاه عکسی بر پا بود. آکروبات، رقص و هیپ هاپ بود در گنج گنج 104. و نمایشگاهی هم در مورد اختراعات و ابتکارات برای دنیای آینده دائر بود. اختراعاتی ساده که صرفه جویی در مصرف آب و سوخت را ممکن می کند.

به موازات این فعالیت ها، جلسات مختلفی برگزار می شد که موفق ترین شان را جمعی از گروه های زنان (اغلب از کشورهای آسیایی و آفریقایی به همراه چند گروه فرانسوی) تشکیل داده بودند. در نشست های دیگر، رهنمودهایی برای نحوه شرکت در تظاهرات و مقابله با تاکتیک های سرکوب و نیز شناخت از قوانین و مقررات و حقوق بازداشت شدگان به ویژه با توجه به «وضعیت اضطراری» مطرح می شد.

هر گوشه ای مردم جمع بودند. با هم آشنا می شدند و بحث می کردند. چند گروه بزرگ 100 تا 200 نفری را می دیدی و در کنارشان شمار زیادی گروه های کوچک چند نفره که با هم به پاریس آمده بودند. هر شب، مجمع عمومی تشکیل می شد و گزارشگران «ائتلاف مبارزاتی» اخبار بورژ را به جمع می رساندند و برنامه روزهای بعد را اعلام می

کردند. برخی سخنرانی‌ها هم در چارچوب همین مجمع عمومی انجام می‌شد اما جایی برای بحث و اظهار نظر و طرح سوالات مردم نبود که این یک نقطه ضعف مهم بود.

هر چه به دوازدهم دسامبر نزدیک‌تر می‌شدیم تعداد حاضران در تجمعات 104 بیشتر می‌شد. اتوبوس‌ها مرتباً از هلند، آلمان، سوئد، فنلاند و انگلیس و نروژ مرتب می‌رسیدند و با خود تیم‌های پزشکی، وکیلان، هنرمندان و سایر قشرها را می‌آوردند. تیم‌های آشپزخانه هم به راه بود و جمعیت را با غذای گرم گیاهی سیر می‌کرد و در مقابل هر کس هر قدر توان مالی‌اش اجازه می‌داد، پولی به صندوق می‌ریخت یا اصلاً نمی‌ریخت.

طی هفته، علاوه بر مرکز 104، فعالیت‌های مختلفی در سطح شهر انجام شد. عده‌ای از فعالین در ضدیت با سیاست خصوصی‌سازی موزه‌ها (که اغلب زیر چتر سرمایه‌های نفتی می‌روند) در مقابل موزه لوور تجمع کردند. عده‌ای دیگر به سخنرانی در مورد کشاورزی صنعتی و صدماتی که به خاک و آب و غذا می‌زند پرداختند. برخی هم در سالن‌های دانشگاه‌ها و مراکز علمی در «بورژوازی» میز نشریه گذاشته بودند و بحث و گفت‌وگو و مصاحبه می‌کردند. هر چند تظاهرات سیاسی قدغن بود ولی پلیس با گردهم‌آبی‌ها کاری نداشت.

در مرکز بزرگی که به یکی از نهادهای رزمنده طرفدار محیط زیست در منطقه مونتروی تعلق دارد، ائتلاف موسوم به «خط قرمز» در حال تهیه پرچم عظیم 100 متری و پلاکاردها و پوسترها و ابزار تبلیغی دیگر برای آکسیون روز 12 دسامبر بود. رفقای «ایستادگی برای زمین» هم به آنجا رفتند و از گروه‌ها و افراد حاضر در این مرکز که «باغ آلیس» نام دارد برای تهیه پارچه نوشته خود کمک گرفتند.

در آخرین ساعات شنبه 11 دسامبر، برنامه آکسیون‌های روز بعد روی سایت‌های ویژه برگزاری تظاهرات‌ها قرار گرفت، توییت و ای‌میل شد. راس ساعت 9 و 15 دقیقه صبح دوازدهم در نقاط گوناگون پاریس که تقریباً همه نقاط مرکزی شهر را پوشش می‌داد گروه‌های کوچک و بزرگ با کاورها و اتیکت‌ها و پلاکاردهای مشخص خود، پای پیاده یا با دوچرخه آمدند و تجمع کردند. در بعضی نقاط، در سکوت ایستادند و در نقاطی دیگر شعار دادند و بعد از گذشت نیم ساعت متفرق شدند.

ساعت 12 در بلوار گراند آرمه (ادامه خیابان شانزلیزه) آکسیون «خط قرمز» برگزار شد. هزاران نفر که اکثراً دختران و پسران جوان از ملیت‌های مختلف بودند با فریاد و شعار و ترانه گرد آمدند. از خروجی ایستگاه متروی «آرژانتین» جمعیت به خیابان می‌ریخت. نیروهای پلیس ضد شورش بر سر خیابان‌های عمود به بلوار موضع گرفته بودند. اما آگاهانه نه تحرکی داشتند و نه تحریک می‌کردند. کاملاً مشخص بود که سیاست دولت، پرهیز از هر گونه درگیری است مبادا دندان‌های تیز دمکراسی امپریالیستی دوباره مثل روز 29 نوامبر در «میدان رپوبلیک» آشکار شود.



آکسیون «خط قرمز» همه بلوار را پر کرد و جمعیت از یک سمت تا نزدیکی میدان اتوال و از سمت دیگر تا تقاطع «پورت مایو» ادامه داشت. در ابتدا و انتهای آکسیون، افراد پلیس با سپرها و خودروهای شان راه را بسته بودند. جمعیت شعار می‌دادند و در این فاصله راهپیمایی می‌کردند. هزاران دست، پرچم عظیم 100 متری قرمز رنگ را بالای سر تظاهرکنندگان حمل می‌کرد. فضا آکنده از موسیقی راک و رگه و ریتم پر شور آفریقایی بود و هلله و رقص

و جنبش جوانان. یکی فریاد می زد: خواست ما چیه؟ و بقیه جواب می دادند: عدالت اقلیمی! دوباره فریاد می زد: چه وقت؟ و مردم جواب می دادند: همین حالا! هر گروهی پرچم خود را آورده بود.

ما هم اعلامیه های خود را پخش می کردیم و پارچه نوشته خود را داشتیم که به زبان فرانسوی بر آن نوشته شده بود: «فقط انقلاب می تواند کره زمین را نجات دهد!» این تنها پرچمی بود که پیام انقلاب می داد و مردم را برای حل معضلی که حیات نوع بشر و خود کره زمین را تهدید می کند، به انقلاب دعوت می کرد. استقبال از این پیام چشمگیر بود. افراد بسیاری از سنین مختلف می آمدند و با شکل های مختلف ابراز همبستگی می کردند و از پرچم ما (و برخی با پرچم ما) عکس و فیلم می گرفتند. مهم ترین نتیجه ای که می باید از این صحنه ها گرفت، کمبود یک نیرو و موثر در عرصه اعتراضات اجتماعی - سیاسی جاری است که به روشنی آلترناتیو انقلاب اجتماعی را پیش بگذارد و کمونیسم را به عنوان تنها راه حل تبلیغ و ترویج کند.

از اینجا راهی «شان دو مارس» شدیم که محل تجمع بزرگ دیگری از ساعت 2 بعد از ظهر بود. در فضای سیزی که برج ایفل را به «مدرسه نظام» متصل می کند، مردم رفته رفته جمع می شدند. اینجا پلیس ضد شورش، حضوری جدی تر داشت؛ راه ها را بسته بود و سعی می کرد کنترل بیشتری بر جمعیت اعمال کند. سه چهار ردیف زنجیره انسانی دور تا دور یکی از پارک های این محل تشکیل شد. در انتهای محوطه سبز، آنجا که بنای یادبود صلح قرار دارد، صحنه ای بر پا بود با بلندگوهای بزرگ. حرف و لحن سخنرانان یادآور تظاهرات های سندیکایی فرانسه بود و چندان حال و هوای رزمنده و مبارزه جویانه نداشت. از آن شور و سرخوشی ناب آکسیون «خط قرمز» خبری نبود. حتی موسیقی هم به ترانه های حق طلبانه فرانسوی فرو نشسته بود.

مثل این بود که رگه و راک موفق به عبور از خط محاصره پلیس نشده بودند. رفقای «ایستادگی برای زمین» همراه جمعیتی بودند که در مسیر رسیدن به «شان دو مارس»، پل روز رود سن را برای دقایقی اشغال کردند. همه روی پل دراز کشیدند. سپس با پرچم وارد میدان شدند و باقیمانده اعلامیه های شان را در بین مردم پخش کردند. نزدیک ساعت 5 بعد از ظهر بود پایان این تجمع و دو هفته کارزار مبارزاتی اعلام شد. برای خروج از میدان جمعیت مجبور بود به شکل فشرده از روزنه ای که پلیس ضد شورش باز کرده بود عبور کند. هوا در حال تاریک شدن بود و نگاه و رفتار نیروهای سرکوبگر خصمانه تر از ساعات قبل. بسیاری از فعالین به ادامه مبارزه فکر می کردند و ما هم در این فکر بودیم که چطور خط انقلابی را در مورد محیط زیست تعمیق کنیم و چطور بتوانیم بخش پیشرو جنبش را درگیر مبارزه انقلابی همه جانبه علیه نظام سرمایه داری کنیم.

*یکی از فعالین ایستادگی برای زمین*